

## افشای اهداف جمهوری‌خواهی رضاخانی در شعر جمهوری نامه

۱۲ تیر ۱۴۰۱ ساعت ۱۲:۴۰

رضاخان از حربه قدیمی خود برای تهدید مخالفان بار دیگر بهره جست و پس از استعفا، تهران را به قصد بومهن ترک نمود. یکی از عوامل این اقدام، تلگرام احمدشاه از پاریس بود که رضاخان را برای تصدی ریاست دولت نالایق دانسته بود.

در نخستین روزهای سال، گردونه جمهوری‌خواهی، تغییر رژیم سیاسی و الغای سلطنت قاجاریه همچنان در حال گردش بود. رضاخان موفق نشد در روز تحویل سال ۱۳۰۳ که سه عید را در خود جمع داشت (نوروز، تولد حضرت حجت‌العج)، روز جمعه) به هدف اصلی خود برسد. مخالفان به اندازه او و بلکه با مدد از تظاهرات مردم تهران، توانسته بودند به مقابله با این خواست برآیند و جمهوری‌خواهی را در سرایشی سقوط بیندازند. مجلس شورای ملی اعلام کرده بود که تغییر نظام سیاسی ایران در اندازه اختیارات او نیست و باید به همه‌پرسی گذاشته شود. تظاهرات دوم فروردین مردم تهران علیه جمهوریت خشم رضاخان را برانگیخت. حضور او در محوطه مجلس و توهین به یکی از سخنرانان و درگیری‌های پیش‌آمده از یک طرف، و انشقاق در صفوف قشون که برخی نظامیان به طرفداری از احمدشاه علناً ابراز وجود کردند، موجب عقب‌نشینی رضاخان از خواست‌های تند و دفعی خود شد. گردونه جمهوری‌خواهی در تهران زودتر از دیگر شهرها از حرکت ایستاد. رضاخان در ششم فروردین عازم قم شد و به دیدار مراجع مهاجر بین‌النهرین رفت. ظاهر این ملاقات می‌گفت که وسایل و زمینه‌های بازگشت علمای مهاجر به عتبات عالیات فراهم است ولی گفت و گوهای اصلی درباره لغو جمهوری‌خواهی بود. رضاخان که یقین کرده بود به این هدف نخواهد رسید، با حضور در قم و دیدار با آیات عظام اصفهانی، نایینی و حائری یزدی ضمن انصراف از تغییر نظام سیاسی ایران، توانست نظر آنان را برای بقای خود جلب نماید. او پنج روز بعد با صدور اطلاعیه‌ای ضمن اعلام حراست از «عظمت اسلام و استقلال ایران»، جمهوری‌خواهی را موقوف کرد. هرچند این اطلاعیه به سران قشون، یعنی عوامل اجرایی رضاخان در کشور، ابلاغ شد، اما تأکید گردید که اقدامات برای خلع احمدشاه و سلسله قاجاریه بدون تأکید بر جمهوریت با جدیت پی‌گیری شود.

رضاخان شکست سختی خورده بود. روزنامه‌های طرفدار اقلیت مجلس لبه تیز انتقادات خود را سوی او و نمایندگان همسویش در مجلس گرفتند و علیه آنان شعر ساختند و مطلب درج کردند. رضاخان از حربه قدیمی خود برای تهدید مخالفان بار دیگر بهره جست و پس از استعفا، تهران را به قصد بومهن ترک نمود. یکی از عوامل این اقدام، تلگرام احمدشاه از پاریس بود که رضاخان را برای تصدی ریاست دولت نالایق دانسته بود. با این حال مجلس به ادامه کار رضاخان در مسند ریاست‌الوزرای ابراز تمایل کرد و هیئتی ۱۲ نفره از نمایندگان را برای گفت و گو و بازگرداندن او به تهران راهی بومهن کرد. در این بین واکنش‌های سران قشون که مجلس را تهدید به لشکرکشی خود به سوی تهران کرده بودند، حائز اهمیت است. رضاخان به سر کار بازگشت و کابینه جدید

از اشعاری که در نقد و هجو جمهوری خواهی رضاخانی سروده شده، جمهوری نامه ملک الشعراى بهار است. به گفته حسین مکی تا مدت‌ها سراینده آن معرفی نشده بود و عده‌ای تصور می‌کردند میرزاده عشقی آنها را سروده است، ولی ملک الشعراى بهار پس از شهریور ۱۳۲۰ به مکی می‌گوید که: وی سراینده این اشعار بوده است. [۲]

این اشعار در ۱۵ فروردین ۱۳۰۳ در روزنامه قرن بیستم به مدیریت میرزاده عشقی منتشر شد و سپس به صورت کپی در بین مردم دست به دست می‌گردید و به دلیل مایه طنز و محتوای افشاگرانه‌اش هم، موجب خنده خواننده می‌شد؛ و هم، خشم رضاخان و طرفدارانش را بر می‌انگیخت.

یکی از صاحب‌نظران عقیده دارد این اشعار با تشریک مساعی ملک الشعراى بهار و میرزاده عشقی سروده شده است: «این شعر که در قالب ترکیب‌بند سروده شده و ۱۲۰ بیت دارد، سرشار است از آگاهی‌های گوناگون درباره انگیزه‌های برپایی برنامه جمهوری خواهی و همچنین هویت هواداران و برپاکنندگان آن در درون و برون مجلس. در دیوان بهار و در خصوص جمهوری نامه آمده است که بهار این شعر را به همراهی میرزاده‌ی عشقی سروده و در روزنامه قرن بیستم که سردبیری آن را آن شاعر جوان بر عهده داشته منتشر کرده است. جای پای طنزی یأس آلود که در این اثر هست، اشتراک عشقی را مسلم می‌دارد، اما به سختی می‌توان گفت کدام بندها حقیقتاً از آن او و کدام یک از قلم بهار بوده است.» [۳]

و درباره سابقه مخالفت بهار با جمهوری خواهی رضاخانی می‌نویسد: «استدلال بهار در مخالفت با این طرح کمابیش همان استدلال مدرس بود: «مجلسی که به قانون اساسی و وفاداری به مشروطه و شاه مشروطه قسم خورده بود، صلاحیت تغییر نظام سیاسی را نداشت.» او همین برهان را هم در مباحثات و جنگ و جدال‌های مجلس و هم در مقالات و اشعاری که در این باره نوشت بارها و بارها تکرار نمود.

در خصوص جمهوری دو سروده در دیوان بهار به چشم می‌خورد: غزل جمهوری (ص ۳۸۷) و جمهوری نامه (ص ۳۸۸).

در غزل جمهوری، بهار یادآور می‌شود که اساس طرح جمهوری سردار سپه ضدیت کامل با مشروطیت و قانون اساسی دارد و بهانه‌ای است که به نام اراده ملی، قانون اساسی را لغو کنند. هم از این روست که در این سروده ندا در می‌دهد:

جمهوری سردار سپه مایه ننگ است

کاین صحبت اصلاح وطن نیست که جنگ است...

این حرف درین مملکت امروز جفنگست

آزادی و مشروطیت افتاده به زحمت

این گوهر پرشعشعه در کام نهگنست...

افسانه جمهوری ما ملت کودک

عیناً مثل ملعبه شهر فرنگ است...

در پرده جمهوری کوبد درشاهی

ما بی خبر و دشمن طماع ز رنگ است [۴]

پی نوشت‌ها:

[۱] . روز شمار تاریخ معاصر ایران، جلد چهارم، مقدمه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

[۲] . مدرس قهرمان آزادی، حسین مکی، جلد اول، صفحه ۳۳۱.

[۳] . سایت ملک‌الشعراء بهار، مقاله: بهار و سیاست، خانم دکتر شهین سراج.

[۴] . همان.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/48796/افشا-اهداف-جمهوری-خواهی-جمهوری-اهداف-افشا>